

معرفی‌های اجمالی

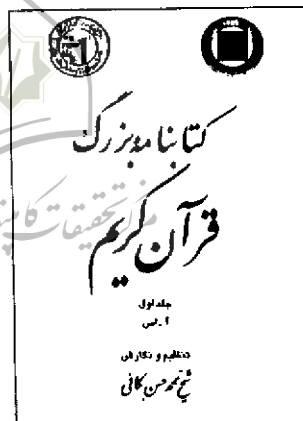
این سوره به پایان نرسید. صاحب کشف الظنون برخی از تفاسیری را که تا زمان او نوشته شده یاد کرده و تا سیصد و چند تفسیر نام برده و گفته است بعضی از اینها در چندین مجلد است که گاهی عدد مجلدات از صد تجاوز می‌کند. از جمله ابوبکر ادفوی تفسیر «الاستغناء» را در صد جلد نگاشت. فیلسوف مشهور فرانسوی ارنست رنان به مدرکی دست یافته است نشانگر آنکه در یکی از کتابخانه‌های اسلامی اندلس تفسیری بوده است در سیصد جلد که در حمله مسیحیان طعمه حریق شده است.

... روشن است که این همه غیر از کتابها و رساله و تک نگاریهاست که درباره قرآن و راجع به قرآن در موضوعات مختلف و مطالب آن نوشته شده است که شمار آنها را جز خدای کسی نمی‌داند و آنچه مردم می‌توانند بدانند این است که این کتاب شگفت‌انگیزترین معجزه علمی تاریخ بر روی زمین است که از آغاز دنیا تاکنون نظیر نداشته و نخواهد داشت. (اعجاز القرآن، ص ۱۲۴، ترجمه آن، ص ۱۰۷، تفسیر نوین، مقدمه، ص ۱۲۲).

کتابشناس بزرگ، علامه عالیقدر، شیخ آقابزرگ تهرانی، از ۳۵۵ تفسیر نام برده (الذریعه، ج ۴ و ۳۴-۳۲۳) و نگاهشته‌های بسیاری در علوم قرآنی در صفحات الذریعه یاد کرده است و بی‌گمان این همه اندکی است از بسیار و «نمی» است از «بیم» پژوهشها و نگاهشته‌های عالمان و پژوهشیان در آستانه قرآن.

کتابنامه بزرگ قرآن کریم، (آ-ای) محمدحسن بکایی (چاپ

اول: تهران، مرکز فرهنگی نشر قبله، ۱۳۷۴). ج ۱ و ۲، ۳۷۵+۹۱۵ ص، وزیری.



آثار نگاهشته شده در آستانه قرآن کریم و کتابهای تدوین یافته در علوم، معارف و تفسیر قرآن کریم، بی‌گمان در مجموعه آثار مکتوب از پربزرگ و بارتیرین

مجموعه هاست. از روزگاری که تدوین شکلی عمومی یافت و عالمان در موضوعات مختلف فرهنگ اسلامی به نگارش و ثبت و ضبط دانسته و دریافته‌ها همت ورزیدند تا به امروز انبوه، انبوه، نگاهشته در مباحث و مسائل مرتبط با قرآن کریم سامان یافته است که به هیچ روی با نگاهشته شده‌های در باره موضوعات دیگر قابل سنجش نیست.

مصطفی صادق رافعی نوشته است: از زمانی که تاریخ به وجود آمد، در همه تاریخ عالم کتابی شناخته نشده است که به اندازه قرآن یا نزدیک به آن شرح و تفسیر بر آن نگاهشته یا درباره آن تألیف و تصنیف شده باشد. به مثل ابوعلی اسواری قرآن را به تاریخ، سیر و وجوه تأویلات تفسیر کرد. او از سوره بقره شروع کرد و سی و شش سال در این کاری در پی کوشید تا مرد و

بی دریغ دانشگاه امام صادق (ع) سامان یافته و دو مجلد از آن شامل حروف (آ-الف) نشر یافته است.

در این کتابشناسی درازدامن کتابها براساس حروف آغازین تنظیم شده و در این چینش تا سه حرف رعایت شده است. در پایان هر مجلد تمام کتابهای یادشده در کتاب به گونه موضوعی فهرست شده است. در ذیل عناوین، مؤلف کتاب، موضوع، سال چاپ، خطی یا چاپی بودن آن، و نیز منابعی که این کتاب در آنها یاد شده است می آید. همین جا بگویم که کتابهایی که نشر یافته اند و آگاهیهای کتابشناختی آنها یاد شده است، گویا ذکر منابع و مآخذ برای آنها سودی ندارد، مگر اینکه منابعی یاد شود که درباره این کتابها در آن منابع مطلبی سودمند وجود داشته باشد. اکنون یادآوری کنیم که کتابنامه نگاری و تدوین کتابشناسیها کاری است، کارستان و طاقت بر. و از آن روی که غالباً بررسی مستقیم کتابها امکان پذیر نیست امکان اشتباه و کاستی در اینگونه نگارشها فراوان است. پس آنچه اکنون یاد می شود، هرگز قدحی بر کار سترگ جناب بکایی نخواهد بود.

در ص ۱۰۷، عنوانهای «اتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث» و «اتجاهات التفسیر فی العصر الراهن» یک کتاب است با دو عنوان. در ص ۱۰۹ «الاتجاه العقلي فی التفسیر» که دو بار آمده، یکی به نام ابوزید خضر حامد و دیگری نصر حامد رزق هر دو یک کتاب و از آن ابوزید نصر حامد است. در ص ۱۵۶ «الأحتجاج علی اهل اللجاج»، کتاب قرآنی نیست و موضوع آن نیز افسانه تحریف نیست! در ص ۱۷۵ «الأحكام فی اصول الأحكام» از آمدی و پس از آن کتاب ابن حزم به همین نام، روشن است که قرآنی نیستند و موضوع آنها اصول فقه است که فصلی در باب نسخ دارند. در ص ۱۹۱ از «أحكام القرآن»، ابن عربی مالکی یاد شده است و در ص ۱۹۲ آمده است که «در این کتاب به ترتیب سور ۵۰۰ آیه مربوط به احکام مورد بررسی قرار داده است و به بحثهای اصولی و ادبی پرداخته است». باید بیفزاییم که در این کتاب بیش از ۸۰۰ آیه مورد بررسی قرار گرفته است. () در ص ۲۹۰ از «اساس التأویل» قاضی نعمان یاد شده است که مرتبط با مسائل قرآنی نیست و تأویل کتاب دیگر وی «دعائم الإسلام» است. در ص ۳۹۶ از کتاب «الأصول الأصلية فی الكتاب والسنة» یاد شده است که روشن است کتاب قرآنی نیست و موضوع آن است. در ص ۴۱۷، موضوع الاعتصام بالكتاب والسنة» با هیچ تعریفی «آیات الأحكام» نیست. در ص ۴۸۰ از «اعراب القرآن» ابو عبیده یاد شده است، گو اینکه این گونه مشهور است، ولی کتابی جز «مجاز القرآن» ندارد و این کتاب گویا همان بوده است. (ر. ک: مقدمة مجاز القرآن). در

متأسفانه کتابنامه روشمند و کارآمد و گسترده ای سامان نیافته است که گوشه ای از کوششها و کوششهای عالمان اسلامی را در محضر قرآن نشان دهد و ابعاد گسترده پژوهشهای قرآنی را بنمایاند. پیشتر برخی از فاضلان و عالمان کتابگزارها و کتابنامه هایی درباره تفسیر و علوم قرآنی سامان داده اند که با همه کاستیها سودمند بوده است و ارجمند و سعیشان مشکور باد. از جمله از نگاشته ذیل در این باره توان یاد کرد: معجم الدراسات القرآنیة، خاتم انتسام مرهون الصفار که ابتدا در مجله مهم المورد در سال ۹ شماره ۱ و ۴، سال ۱۰ شماره های ۴ و ۳، سال ۱۱، شماره ۳ و ۴، نشر یافت و پس از ویرایش و افزونیها به سال ۱۹۸۴ در بغداد منتشر شد. همچنین کتاب معجم الدراسات القرآنیة، از کتابشناس سختکوش جناب عبدالجبار رفاعی که بخش مقالات آن در دو جلد نشر یافته و بخش کتابها هنوز به چاپ سپرده نشده است. و نیز کتابشناسی علوم قرآنی، که مجموعه ای است با اطلاعاتی بسیار اندک. همچنین کتابشناسی جهانی ترجمه ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید، ترجمه محمد آصف فکرت و الفهرس الشامل للتراث العربی الاسلامی المخطوط، اردن، مؤسسه آل البيت، علوم قرآن و تفسیر آن، یازده مجلد است. و نیز معجم الدراسات القرآنیة عند الشیعة الأمامیة، از عامر الحلو، که مجموعه ای است کوچک و با نارسائیها و اشتباهات فراوان، همچنین فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران از سید محمد باقر حجتی که جلد اول آن، ویژه قرائت و تجوید نشر یافته و مجلدات مرتبط با تفسیر و علوم قرآنی شاید به شش جلد فراز آید. در میان فهرستهای نسخه های خطی کتابخانه ها نیز گاه فهرستهای موضوعی ویژه مرتبط با قرآن کریم فراهم آمده است؛ از جمله سه جلد از مجموعه فهرست نسخه های خطی کتابخانه ظاهریه دمشق و... (ر. ک: کتابشناسی توصیفی کتابشناسی های قرآن، صحیفه مبین، شماره ۳ و ۴). افزون بر آنچه یاد شد باید از تلاش ارجمندی یاد کرد در دارالقرآن آیت الله العظمی گلپایگانی در دو بخش (۱) معجم مصنفات الشیعه حول القرآن الکریم (۲) معجم مخطوطات الشیعه حول القرآن الکریم، که متأسفانه تنظیم نهایی نیافت و تاکنون به چاپ سپرده نشده است.

اکنون -سپاس خدای- را از پس سالیان تلاش و کوشش و درنوردیدن دهها مجلد فهرست و کتابشناسی، کتابنامه بزرگ قرآن کریم را در پیش روی داریم که به همت والای جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدحسن بکایی و یاریهای

این تألیف از آنجا که برآمده از ذهن و قلم دانشمند بزرگ و آزادمنشی است که در محیطی سرشار از برخورد آرا بین اندیشوران شیعه و سنی از یک سو و مسلمان و مسیحی از سوی دیگر، بزرگ شده است و در اطراف خود بسیاری از پرسشهای بی پاسخ درباره اسلام و شیعه را مشاهده می‌کرد و خود را برای پاسخگویی بدانها ملزم می‌بیند، از این رو در لابلای بحثها به انتقادات و ایرادهای فراوانی علیه اسلام و شیعه پاسخ می‌گوید. در مناسبتهای گوناگون به تبیین معارف دینی (ص ۵۵-۳۵ / ۱ و ص ۳۴۰-۳۲۸ / ۶ ترجمه فارسی) همت می‌گمارد. مؤلف از منابع تاریخی، کلامی و روایی شیعه و سنی و نیز اشاره‌های قرآنی برای تبیین حوادث تاریخی بهره می‌گیرد. برای جامعیت بخشیدن به کتاب خود، از آوردن چندین گزارش درباره هر پدیده سربرنمی‌تابد، به جمع‌بندی گزارشها می‌پردازد و با تفسیر و توجیه‌های قابل ارائه به رفع اختلاف گزارشهای ناهمگون دست می‌یازد. برای برکشیدن گزارشی صحیح از لابلای گزارشهای نادرست از شیوه نقد تاریخی بهره می‌گیرد و گاه تناقضهای حاصل در نتیجه گزارشها را بیان می‌دارد و نادرست بودن گزارش را ملموس می‌کند (ج ۱ / ص ۱۲). بهره‌گیری از شعر و رجز در تبیین حوادث تاریخی از نکات قوت این کتاب است. زیرا تاریخ عرب بیش از آنکه بر متون گزارشی تکیه کند، در شعر و حماسه سرایی نمود دارد و بهره‌نگرفتن از شعر و سروده‌ها در تبیین پدیده‌های تاریخی قبل از اسلام و نیز قرون اولیه اسلام، بسیاری از کتب تاریخی درباره این مقطع را ناقص ساخته است و مؤلف محترم که خود ادیبی برجسته بود با یادکرد از سروده‌ها و اشعار نقص مزبور را به حداقل رسانده است.

از ویژگیهای کتاب دیدگاه انتقادی است که مؤلف محترم درباره بسیاری از کتب منتشره درباره سیره دارد. در موارد بسیاری گفتار آنان را نقد عالمانه می‌کند؛ از جمله درباره ماجرای غرانیق (ج ۱ / ۶۹-۶۸)، بی‌توجهی دکتر هیکل در کتاب حیات محمد (ص) به نقش علی (ع) در جنگ حنین (۲۳۰ و ۲۳۳ ج ۱)، دیدگاه هیکل در تقسیم تاریخ اسلام به دوره قبل از عثمان و بعد از وی (ج ۱ / ۲۸۹-۲۸۴) و مواردی دیگر.

مؤلف در سیره پیامبر اکرم (ص) به زندگی شخصی آن حضرت، مبعث، گوشه‌ای از معارفی که قرآن دربر دارد، دعوت قریش به اسلام، گسترش تبلیغ اسلام به بیرون از شبه جزیره عربستان، جنگهای پیامبر، حجة الوداع و خطبه‌هایی

ص ۴۹۱ عنوان «الأعلام بما فی القرآن من الأسماء والأعلام» با عنوان «الأعلام فیما أبهم فی القرآن من الأسماء والأعلام» یکی است. در ص ۴۹۲ «الأعلام فیما اتفقت الأمامیه علیه من الأحکام»، از نام آن پیداست که ربطی به آیات احکام ندارد و قرآنی نیست. در ص ۵۰۱ «الأفصاح فی الأمه» کتاب قرآنی نیست، گو اینکه برخی از آیات مرتبط با امامت در آن تفسیر شده است.

در ص ۵۰۲ موضوع «أفعال العباد فی القرآن الکریم» اخلاق نیست، بلکه مباحث کلامی مرتبط با افعال انسان است. به دیگر سخن تفسیر آیات مرتبط با افعال انسان است به لحاظ، جبر، اختیار و ... از دیدگاهها فرق اسلامی. در ص ۵۰۷ «اقبال و قرآن» مقاله‌ای است فارسی‌نشر یافته در یادنامه علامه امینی و کتاب نیست. «الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل» ترجمه تفسیر نمونه است، پس مؤلف آن آقای محمدرضا آشتیانی نیست، بلکه یکی از مؤلفان آن است، و ...

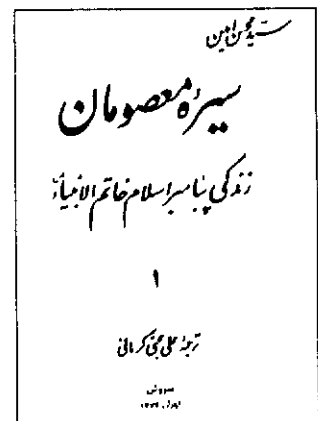
به هر حال باز هم یادآوری کنیم که این یادآوریها از اهمیت کار جناب بکایی نمی‌کاهد. ما ضمن دست‌مریزادگویی به آن بزرگوار و همکارانش امیدواریم در آینده‌ای نزدیک شاهد نشر کلیه جلد‌های آن باشیم.

محمدعلی مهدوی‌راد

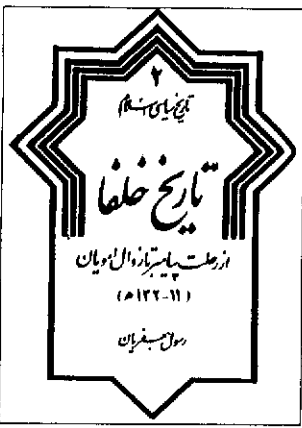
سیره معصومان، سید محسن امین، ترجمه علی حجتی کرمانی و حسین وجدانی. انتشارات سروش در شش جلد.

کتاب ارزشمند و پرفایده اعیان الشیعه از دیرباز بین دانشوران و بزرگان شناخته شده است. نویسنده توانمند و عالم آن، مرحوم سید محسن امین، شرح حال شمار بسیاری از دانشمندان و علمای شیعه را

در مجموعه‌ای خواندنی گردآورده است. با آنکه بخش مهمی از دو جلد نخست آن به شرح حال معصومان (ع) اختصاص دارد، به علت ویژگی بسیاری از مجلدات به شرح حال علمای شیعه، در شمار کتب سیره نمود چندانی پیدا نکرده است و در نگاه عام، این کتاب شرح حال علما و اندیشوران به شمار می‌آید. شاید همین نگرش موجب نشر مستقل بخش شرح حال معصومان زیر عنوان «فی رحاب اهل البیت (ع)» گشته است.



تاریخ سیاسی اسلام (ج ۲): تاریخ خلفاء، رسول جعفریان، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴. ۸۱۲ ص، وزیری.



این کتاب جلد دوم تاریخ سیاسی اسلام است. جلد اول ویژه سیره پیامبر (ص) بود و تاریخ اسلام تا رحلت رسول الله در آن به بحث و بررسی نهاده شده بود.

اینک در این مجلد تاریخ سیاسی اسلام از رحلت پیامبر تا زوال امویان به قلم آمده است. مؤلف زندگانی خلفا را بررسی کرده و برخی از تحولات اجتماعی و فکری و سیاسی را به نقد و بررسی کشیده است. کتاب در دوازده بخش سامان یافته است.

در بخش اول از خلافت ابوبکر و چگونگی شکل گیری آن سخن رفته است و در ضمن آن نقش انصار و جریانهای پس از رسول الله (ص)، مهاجران و صحنه آفرینهای سیاست بازان و تلاش اهل بیت (ع) برای دفاع از حق خلافت و خلافت حق نموده شده است. در این روزگار مسأله «ارتداد» بسیار مهم است و به لحاظ سیاسی و فرهنگی قابل تأمل، و به این مسأله نیز در پرتو اسناد کهن و با توجه به پژوهشهای نو، و به دور از یکسویه نگری رسیدگی شده است (۱۲-۵۸). در بخش دوم از خلافت عمر سخن رفته است و در ضمن آن به شخصیت فکری و خلق و خوی او پرداخته شده است. کارگزاران عمر، چگونگی قتل وی و نیز فتوحات روزگار او از مسائلی است که در این بخش آمده است (۵۹-۱۲۲). بخش سوم عهده دار گزارش تحلیلی روزگار عثمان است. روزگار وی به لحاظ فاصله ژرف بین حکومت و شیوه های کارگزاری با معیارهای دینی در تاریخ اسلام شایان توجه است. این دیگر سانیهای فکری و معیاری و دور افتادن از صراط مستقیم بحدی بود که کار را به شورش مسلمانان کشاند، در این بخش چگونگی قیام مسلمانان علیه خلافت عثمانی و عوامل مؤثر در آن تحلیل شده است و دیگر مسائل مرتبط با این دوره گزارش گردیده است (۶۱-۱۹۴).

بخش چهارم ویژه روزگار حکومت علی (ع) است که مؤلف هوشمندانه بدان عنوان «امامت» داده است. در این بخش از جایگاه علی (ع) در تاریخ اسلام سخن رفته، و

که از آن بزرگوار نقل شده می پردازد و در هر بحثی مطالب خواندنی فراوانی ارائه می دهد.

در زندگی حضرت فاطمه (س) افزون بر ویژگیهای ظاهری، فضایل و مناقب، القاب، کنیه، ازدواج و زندگی زناشویی به ماجراهای سیاسی آن روز و نقش آن بزرگوار در حوادث مزبور نیز می پردازد. زندگی فاطمه پس از مرگ پدر، اوقاف و صدقات، کلمات، ادعیه و اشعار آن حضرت از مباحث دیگر کتاب است. در زندگی علی (ع) از تولد تا هجرت به مدینه را در یک فصل بحث می کند و آنگاه تا سال یازدهم هجرت هر سال را در بخش مستقلی مطرح می کند. زندگی علی (ع) در زمان دو خلیفه اول طی یک مبحث آورده شده است و برخورد آن بزرگوار در سالهای پایانی خلافت خلیفه سوم نیز مستقل بحث شده است. بیعت با علی (ع)، جنگ جمل، جنگ صفین و جنگ خوارج فصول بعدی کتاب را تشکیل می دهد. مسائل مربوط به شهادت، کارهایی که آن حضرت در دوران خلافت انجام داده است، خطبه ها، نصایح، اشعار و بلاغت وی بحثهای دیگر است.

در مورد دیگر ائمه (ع)، افزون بر بررسی حوادث مهم زندگی آنان چند مطلب را همواره در نظر دارد که عبارت از نام، کنیه، نقش خاتم، فرزندان، کلمات، شاعران آنها، خصوصیات ظاهری و اخلاق آن بزرگواران. در حوادث ویژه ای که در زندگی بعضی از ائمه (ع) وجود دارد و درباره آن دیدگاههای گوناگون وجود دارد به تفصیل وارد بحث می شود. از قبیل بیعت امام رضا (ع) و غیبت امام غایب (ع).

این کتاب با فراگیری خاصی که دارد چون به زبان عربی بود و بسیاری از خوانندگان فارسی زبان از آن بی بهره می مانند، ضرورت برگرداندن آن به فارسی از دیرباز مشهود بود تا آنکه آقای علی حجتی کرمانی، با همکاری آقای وجدانی در چند مورد خاص، آن را ترجمه و در اختیار فارسی زبانان قرار داد. اقدام و همت آقای حجتی ستودنی است. گرچه مواردی از برگردانهای نادرست در آن دیده می شود (به عنوان نمونه: ج ۱/۱۲، ۱۴، ۱۷ و...، ج ۲/۱۰، ۱۵، ۱۹ و...، ج ۶/۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹) که مؤلف را به تجدید نگاه و مقابله دیگر با متن عربی و با دقت افزون دعوت می کند. امید که مترجم با صرف وقت لازم ترجمه ای روشن و به دور از اشتباه ارائه دهد.

علی سرولانی

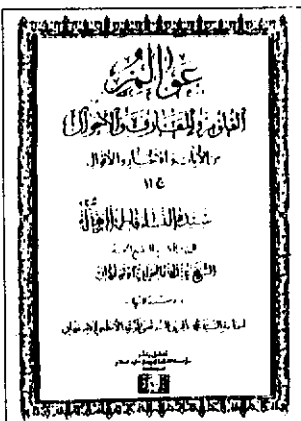
شورشهای مختلف به روزگار خلافت آنها، و چگونگی شکل‌گیری عقاید خوارج بررسی شده است (۵۷۲-۶۱۶). شیعیان در آخرین دهه‌های حکومت امویان، عنوان یازدهمین بخش کتاب است. در این بخش که از نکات مهم و ارجمندی درباره تاریخ تشیع برخوردار است، به تبیین جریانهای درونی شیعه پرداخته و درباره جریان غلو به تفصیل بحث شده است. مبارزه امامان (ع) با غلو و جریان غالیان از بحثهای نکته‌آموز این بخش است. قیام زید بن علی (ع)، شیعیان امامی و زید، چگونگی شکل‌گیری زیدیه از جمله بحثهای پایانی این فصل است (۷۰۴-۶۲۰). با بخش دوازدهم که عنوان زوال دولت مروانی را دارد، کتاب پایان می‌پذیرد. در این بخش از شورشهای حارث بن سریح در خراسان، و جهیمان علیه دولت اموی، و تنشهای داخلی دولت مروانیان و ازهم گسیختگی خاندان اموی سخن رفته است. در واپسین صفحات این بخش گذری است و نگاهی به عقاید مروانیان، عالمان در خدمت آل مروان و چگونگی نشر اسرائیلیات و قصه خوانی در عهد امویان.

کتاب بروی هم اثری است خواندنی و تحقیقی و مؤلف ضمن مراجعه به کهنترین منابع تاریخی و ارزیابی دیرینه‌ترین اسناد از پژوهشهای نو درباره مسائل نیز غفلت نمی‌کند و این یکی از ویژگیهای این مجموعه است.

محمدعلی غلامی

حوالہ العلوم والمعارف والاحوال من الآيات والاخبار والاقتوال / ج ۱۱.

علامه شیخ عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی. با مستدرکات آیت الله سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی. قم، مؤسسه الامام المهدی (ع)، ۱۴۱۶ق/ ۱۳۷۵ش. ج ۱ و ۲: ۱۳۱۲ص، وزیری.



پس از آنکه علامه سترگ و مرزبان حماسه شیعه مولی محمدباقر مجلسی اصفهانی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) کار تألیف و تدوین موسوعه ارزشمند و گرانسنگ «بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار» را به انجام رسانید، بر آن شد تا با نگارش «مستدرک البحار» تمام احادیث و روایات اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - را یکجا گردآورد و هر آنچه را در

چگونگی بیعت مردم را با علی (ع) و رویارویی جریانهای گونه‌گون با علی (ع) پس از بیعت و مواضع مختلف افراد نموده شده و چرایی حضور امام (ع) در کوفه و مرکزیت کوفه برای حکومت نیز بررسی شده است (۱۹۰-۳۳۶). بخش پنجم از روزگار امامت امام حسن (ع) بحث شده است. در این بخش درباره مردم کوفه، سیاستهای معاویه، مسأله صلح و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته است (۳۴۳-۳۸۷). بخش ششم ویژه چگونگی حاکمیت معاویه است با عنوان پادشاهی معاویه. معاویه بنیادگذاری پادشاهی و شیوه حکومتی ملوکی در تاریخ اسلام است. در این بخش چگونگی این حاکمیت نموده شده است و وضع شیعه در روزگار وی و سرکوب حرکتهای شیعی و بازتاب آن به بررسی نهاده شده است. بررسی چگونگی تلاش معاویه در جهت موروثی کردن خلافت از جمله بحثهای این بخش است (۳۹۱-۴۳۳).

نکته قابل توجهی که در بحثهای فصول گذشته پیگیری شده است تاریخ تشیع و تحولات سیاسی شیعه در ضمن بررسی این تاریخ عمومی است. از جمله در ضمن بحث از خلافت علی (ع) بحث مفصلی درباره تشیع در روزگار آن امام (ع) آمده و در ضمن بحث از پادشاهی معاویه، چنانکه اشاره شد، چگونگی شکل‌گیری و سرگذشت جنبش شیعی به بحث نهاده شده است. نکته دیگر اینکه تاریخ عمومی اسلام از یکسوی مشتمل است بر تاریخ خلافت و از سوی دیگر بر تاریخ امامت، و این مطلب در کتاب به گونه‌ای راهگشای مورد توجه قرار گرفته است که می‌تواند برای درک بهتر تحولات آن روزگار مفید باشد. مسأله‌ای که در تاریخ‌نگاری شیعی از قرن ششم به بعد کمتر مورد توجه بوده است.

در بخش هفتم از قیام ابا عبدالله حسین (ع) سخن رفته است و آثار فرهنگی و سیاسی قیام کربلا. در این بخش نیز پیگیری زمینه‌های حادثه کربلا و نقش انحرافهای دینی در پیدایش این حادثه از جمله مباحث هوشمندانه این بخش است. (۴۴۵-۴۹۴).

در بخش هشتم، انتقال خلافت از سفیانیان به مروانیان به بحث گذاشته شده و در ضمن آن به نبرد حرّه و جنبش توأبین و قیام مختار رسیدگی کرده است (۴۹۹-۵۳۶). بخش نهم عهده‌دار بحث از روزگار امامت حضرت سجاد (ع) است و تبیین چگونگی برخورد امام (ع) با امویان، و تحلیل برخی از نمودهای زندگانی امام (ع)، مانند مسأله دعا، امام و بردگان و ... (۵۳۸-۵۷۰). در بخش دهم حکومت مروانیان و

دهها کتاب استفاده نموده و آیات و اخبار و گفتار محدثین و دانشمندان شیعی و سنی را دقیقاً استخراج و با مصادر اولیه آنها سنجیده اند. سپس با تلفیق عوالم، بحار و مصادرش و کتابهای دیگر به عرضه یک اثر جامع درباره زندگی حضرت زهرا پرداخته اند. شرح و توضیح کلمات مشکل، شرح گفتار مؤلف و نقل توضیحات وی در پاورقی، فهرس متعدد آیات، نام پیامبران و فرشتگان، اسماء ائمه اطهار - علیهم السلام -، فهرست اعلام راویان و مورخان، آیین ها و کتابهای آسمانی، طایفه ها و قبیله ها و فرقه ها، شهرها، حوادث و جنگها و روزها و فهرست تفصیلی کتاب پایان بخش آن است و ۱۲۰ صفحه از کتاب را تشکیل می دهد. فهرست مصادر کتاب نیز مجلدی جداگانه را تشکیل داده که به زودی به چاپ می رسد. از دیگر مزایای کتاب مسند حضرت زهرا احادیث الغرأ من مسند فاطمة الزهراء است، که ۱۱۳ حدیث را دربر گرفته و پس از آن ۴۰ حدیث از زبان عایشه در مدح حضرت زهرا آورده شده است.

اینک این کتاب به زیور طبع آراسته شده و در دسترس کاوشگران و جستجوگران زوایای تاریخ و حدیث قرار گرفته است، با چاپی ممتاز، تحقیقی متین و استوار و عرضه ای سودمند و صورتی زیبا و دلنشین. مطالعه آن به عموم دانش پژوهان و محققان زندگی اسوه زنان جهان - حضرت زهرا سلام الله علیها - توصیه می شود.

ناصرالدین انصاری قمی

سیستمهای حقوقی کشورهای اسلامی، ترجمه محمد رضا ظفری و

فخرالدین اسفندی (قسم):
مرکز مطالعات و تحقیقات
اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱،
۲۳۶ ص، وزیری.

سیستمهای حقوقی کشورهای اسلامی

طبا اول

محمد رضا ظفری رئیس هیئت مدیره

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی

مسلم است که در زندگی
جمعی و گروهی انسان
سلسله ای از ارزشها حاکم
است. ارزشها، معیارهایی
هستند که طبق نیازها و

حاجات افراد به وجود آمده و خود نیز منشأ حقوق اخلاقی و قانونی اند. زیرا وقتی انسان به چیزی نیازمند باشد، برای وی مطلوبیت و ارزش داشته و به این معناست که آن چیز در صورت فقدان باید وجود یافته و در صورت وجود باید

بحار الانوار نیامده بود، با استفاده از دیگر کتابهایی که بدانها دست نیافته بود و پس از تألیف بحار آنها را فراهم آورد، به آن اضافه نماید (بحار، ۱/۴۶) که با درگذشتش این آرزو صورت عمل به خود نگرفت.

پس از چندی یکی از برترین شاگردان وی، دانشمند و محدث بزرگ علامه شیخ عبدالله بحرانی دامن همت به کمر بست و در پی انجام دادن خواسته استادش برآمد و با نگارش کتاب ارزنده عوالم العلوم، آنچه را استاد در کتاب بحار الانوار نیاورده بود با نظمی جدید همراه با ابداع در تنظیم و ابتکار در عناوین یکجا گردآورد. بدین سان دو دائرة المعارف عظیم بحار و عوالم بر روی هم، گنجینه ای پربار از اخبار و احادیث آل محمد - علیهم السلام - است. مجلدات مختلف این کتاب در گروه و کنار کتابخانه های شخصی و عمومی ایران و عراق یافت می شود، که خود نشانگر اقبال و توجه بسیار دانشمندان به این کتاب است. (الذریعة، ۱۵/۳۵۶-۳۵۷)

اینک چند سالی است که مؤسسه الامام المهدی (ع) در قم، دست به تحقیق و انتشار و تکمیل و استدرک احادیث و اسانید و رجال این کتاب زده است و از آن مجلداتی را همچون: علم و جهل، علم و عقل، نصوص الائمة، حدیث غدیر، حضرت زهرا (عج)، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد منتشر کرده است و کتاب امام هادی و امام عسکری را نیز در دست تألیف (زیرا نسخه خطی آنها پیدا نشده است) و امام علی و امام مهدی - علیهم السلام - را در دست انتشار دارد.

کتاب مورد بحث ما به زندگانی حضرت زهرا - سلام الله علیها - اختصاص دارد، که گسترده ترین کتاب پیرامون حضرت به شمار می رود. چون چاپ جدید این کتاب بر تمامی کتابهای مشابه برتری داشته و با سعی و کوشش فراوان آیت الله علامه سید محمد باقر موحد ابطحی و محققان دیگر، اثری ستودنی و کتابی ماندنی به وجود آمده است.

مرحوم مؤلف در کتاب خویش ۴۰۶ حدیث را ذکر کرده (که در مقایسه با بحار الانوار - جلد ۴۳ که ۲۲۵ حدیث را آورده است - ۱۸۱ حدیث افزون دارد. یادآوری می کنم که این کتاب در چاپ اول ۳۲۴ صفحه و در چاپ دوم به ۶۷۰ صفحه بالغ شد. (با تعداد ۱۲۱۹ حدیث) و در چاپ اخیر بیش از ۶۰۰ حدیث دیگر بر آن افزوده اند و تعداد احادیث را به ۱۸۵۱ حدیث افزایش داده اند و این نشانگر ژرفای تحقیق و عمق تتبع آنان است. کتاب بر اساس نسخه کامل مقابله، تحقیق و تصحیح شده است. محققان در تحقیق و تعلیق این کتاب از

حقوقی حاکم بر برخی از کشورهای اسلامی معرفی و تبیین شده است و کوشش شده تا اطلاعات مفید و ارزشمندی را در زمینه وضعیت حقوقی این کشورها به خواننده ارائه دهد.

در این کتاب، قبل از اینکه بحث‌های حقوقی مطرح شود، دربارهٔ اوضاع جغرافیایی، پیشینهٔ تاریخی، شکل حکومت، اوضاع اقتصادی و اجتماعی، روابط خارجی کشور مورد بحث، اطلاعاتی فراروی خواننده گذاشته شده و زمینهٔ ورود او را به مباحث حقوقی همچون منابع حقوق، اصول حاکم بر قانون اساسی و قوانین عادی، سیستم قضایی و دادگستری، تشکیل دادگاهها و انواع آن و ... فراهم آورده است.

این کتاب، شامل ده فصل است که در هر فصل، سیستم حقوقی یک کشور، معرفی می‌شود. این کشورها به ترتیب، عبارتند از: اردن، امارات متحده عربی، ترکیه، عربستان، عمان، قطر، کویت، لبنان، لیبی و مصر. مثلاً فصل دهم که به معرفی سیستم حقوقی مصر اختصاص دارد، به برخی از عناوین مورد بحث آن اشاره می‌کنیم: جغرافیای مصر، اقتصاد، صنایع تسلیحاتی و نیرو، تاریخچه مصر، نفوذ اروپا و اشغال مصر، شکل حکومت، قانون اساسی، دادگاههای شریعت، تأثیر حقوق فرانسه بر دادگاههای مصر، وکالت و سازمان کانون وکلا، سیاست خارجی و روابط سیاسی، مصر و کشورهای آفریقایی و ...

قابل توجه است که این کتاب، اولین اثری است که جهت شناساندن اوضاع و احوال حقوقی مسلمانان و میزان به کارگیری اصول حقوقی اسلامی در این مناطق نگاشته شده است. زیرا به زبان فارسی، هنوز کتابی در حد و اندازهٔ آن نوشته نشده و برای دانشجویان و افرادی که می‌خواهند مطالعه‌ای تطبیقی در زمینهٔ سیستم حقوقی این کشورها داشته باشند و همچنین برای افرادی که به نحوی با کشورهای مذکور در ارتباطند، می‌تواند مفید و ارزشمند باشد.

در پایان، ضمن ارج نهادن و قدردانی از زحمات و تلاشهای نویسندگان و مترجمان این کتاب، امید آن داریم که جامعهٔ علمی ایران در این زمینه توجهی بیشتر مبذول داشته و آثار پربار دیگری در این زمینه عرضه بدارند.

محمد رضا چولابی

استمرار یابد. به همین علت است که به امور مورد نیازی همچون امنیت فردی و اجتماعی، سلامت جسمانی و ... ارزش اطلاق می‌شود و داشتن آنها را حق خود می‌دانیم و رعایت و احترام به آنها را تکلیف دیگران می‌شماریم.

بنابراین نیازها، منشأ ارزشها و ارزشها منشأ حق و تکلیفند. برای اینکه ارزشهای مورد قبول هر جامعه از پیش شناخته شود و مردم از این طریق با حقوق و تکالیف خود آشنا شوند، در قانون اساسی و مدنی، این حقوق و تکالیف بیان شده و در قانون جزا، برای حمایت و حراست از آنها و نیز جهت جلوگیری از تجاوز و تعدی به آنها، کیفرهایی پیش‌بینی می‌شود.

اما کافی نیست که تنها به بیان ارزشها و اصول پذیرفته شده در قوانین اساسی، مدنی و جزایی پرداخته و از مرحله صدور احکام قضایی در دادگاهها و اجرای عادلانه آنها غافل شویم. زیرا برقراری یک سیستم حقوقی، به سه عامل قانون، قاضی و متصدی اجرا نیازمند است. اگر قانون به تمامی حقوق اساسی بشر توجه کند و قاضی هم بر طبق آن احکام عادلانه صادر کند و از همه مهمتر اینکه در مقام اجرا نیز احکام صادره اعمال شود، سیستم حقوقی عادلانه‌ای به وجود خواهد آمد.

فلسفهٔ ایجاد سیستم حقوقی در جوامع اسلامی نیز غیر از این نمی‌تواند باشد. در این جوامع، قوانین مختلف، هماهنگ و متناسب با ارزشهای مورد قبول آنان وضع می‌شود و سیستم حقوقی آنان بر همین ارزشها - که غالباً از اسلام الهام گرفته است - استوار می‌گردد.

شایان ذکر است که مسلمانان جهان، بیش از یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل داده و تعداد آنان به بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر برآورده شده است. در شصت و نه کشور، اکثریت جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند. سی و هفت کشور دارای پنجاه درصد مسلمان، بیست و هشت کشور بیش از پنج درصد مسلمانند. در قانون اساسی هفده کشور جهان، اسلام دین رسمی شناخته شده است.

این واقعیت نشان می‌دهد که عقاید اسلامی و فرهنگ قرآنی، محدود به مرزهای جغرافیایی، نژادی، زبانی، فرهنگی و ... خاصی نبوده و هر جامعه‌ای با حفظ ویژگیهای خاص خود می‌تواند با قوانین فطری و الهی اسلام خود را منطبق سازد.

کتاب حاضر اولین تلاشی است که در آن، سیستمهای

زبانهای اسلامی همچون فارسی، ترکی و اردو و نیز تاریخ هنرهای زیبا در اسلام آشنا شد. در نوزده سالگی، با نبوغی که داشت، درجه دکتری را در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه برلین دریافت کرد. تلاش بی وقفه و مطالعات گسترده او (همچنین تدریس بسیاری از رشته های فرهنگ اسلامی مانند شرح مثنوی، ادبیات فارسی در هند، ادبیات اردو، تاریخ خوشنویسی و ... در دانشگاه های مهم جهان) سبب شده است که چندین دکترای افتخاری از دانشگاه های شرقی و غربی به او اعطا شود، که از جمله می توان به دانشگاه اوپسالا، دانشگاه سلجوق در قونیه، دانشگاه سند و دانشگاه قائد اعظم و در نهایت دانشگاه تهران اشاره کرد (برای آشنایی با متتخی از آثار خانم شیمیل، ر. ک: کیهان فرهنگی سال دوازدهم، مهر و آبان ماه ۷۴، شماره ۱۲۳).

کتاب حاضر یکی از جدیدترین آثاری است که از این پژوهنده معاصر، به فارسی ترجمه شده است. مؤلف در مقدمه خود ضمن اشاره به مشکلاتی که در راه نگارش در باب تصوف و عرفان اسلامی وجود دارد، و اینکه به دلیل گستردگی منابع شرقی و غربی، فراهم آوردن روایتی کامل از عرفان اسلامی، میسر نیست، نوشته است: «دانشجویان من در دانشگاه ها وارد خواسته اند یادداشتهایی را که برای چندین درس و سخنرانی در زمینه تصوف فراهم آورده بودم، مرتب کرده، به صورت یک کتاب در آورم - یادداشتهایی که هم جنبه و ارزش ادبی داشته و منبعث از متون متعدد عرفانی بوده و هم حاصل تجربیات و معاشرتهای شخصی من با دوستان بیشماری در شرق اسلامی، بویژه در ترکیه و پاکستان می باشد.»

کتاب از نه فصل شکل یافته است. نویسنده در فصل نخست، دیدگاه های مختلفی را - از قدیم و جدید - در این باره که «تصوف چیست» مطرح می کند و در فصل دوم به تاریخچه مختصر تصوف کلاسیک می پردازد که شامل دوره شکل گیری (با ظهور حسن بصری، فضیل بن عیاض، ابراهیم ادهم، شقیق بلخی، رابعه عدویه، ذالنون مصری و ...) تا دوران تثبیت و تحکیم (یعنی از زمان شبلی تا روزگار امام محمد غزالی) می شود.

فصل سوم کتاب به طریقت اختصاص دارد که در آن ضمن برشمردن مبانی و مراحل طریقت، مقولاتی از قبیل محبت و فنا، نماز، ذکر و سماع توضیح داده شده است. فصل چهارم درباره انسان و کمال وی است و فصل پنجم ویژه سلسله ها و انجمنهای اخوت صوفیه است. فصل ششم که از ممتع ترین فصول

ابعاد عرفانی اسلام، آن ماری شیمیل، ترجمه و توضیحات: دکتر



عبدالرحیم گواهی (چاپ اول): تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ (۷۳۰ ص، وزیری).

کاخ باشکوه و باعظمت فرهنگ و معارف اسلامی را می توان از دیدگاه های گوناگون دید. بعد فقهی و احکامی که مکلفین باید

بدانند، همچنین احکام حکومتی و دستورهایی که اسلام در باب اقتصاد، خانواده، اخلاق و ... دارد، همواره برخی مسلمانان را به خود مشغول داشته است که حاصل آن را در هزاران هزار کتاب در کتابخانه های جهان می بینیم.

ابعاد عرفانی اسلام از همان آغاز - حتی پیش از شکل گیری مکتب بصره در زهد و تصوف - نخست در دعا های عرفان خیز و انسان برانگیز امیر مؤمنان علی (ع)، سیدالشهدا، زین العابدین و دیگر امامان پاک نهاد این آیین - که برترین درو ها نثار ارواحشان باد - جلوه گری کرد و پس از آن در میان زهاد و ریاضت پیشگان عراق و ایران، نمود بیشتری یافت.

بررسی و کاوش درباره آرا و آثار کسانی که اسلام را بیشتر از منظر عرفانی آن مد نظر داشته اند، از دیرباز موضوع نگارش رساله ها و کتب بسیار بوده است. طبقات الصوفیه از ابو عبدالرحمان سلمی، حلیه الاولیاء از ابونعیم اصفهانی و نفعات الانس جامی، از قدیمیترین کتابهایی است که در این زمینه می شناسیم.

خاورشناسان - شاید بیش از محققان اسلامی - در بررسی اسلام از این زاویه و دیدگاه، گرایش و نگارش داشته اند. آنان به انگیزه هایی که چندان بر ما نامعلوم نیست (همچون انگیزه های دینی، تبشیری، استعماری، روانی و علمی، ر. ک: آینه پژوهش، سال چهارم، شماره های ۲۰ و ۲۱، مقاله فرهنگ اسلامی و خاورشناسان)، سالهاست که سعی در برنمودن و بازنمایی این زاویه از ابعاد اسلامی را دارند. در میان این پژوهشها، شاید همدلانه ترین آنها، آثار خانم شیمیل باشد.

خانم آن ماری شیمیل (متولد به سال ۱۹۲۲ در آلمان) کار فراگیری ادبیات عربی را از پانزده سالگی آغاز کرد و در طول جنگ جهانی دوم، علاوه بر ادبیات عربی، با فرهنگ و سایر

اشتباه اسماعیل انقروی چاپ شده است. همچنین در همه جا نام کتاب بسیار معروف ابن عربی، یعنی ترجمان الاشواق به ترجمان الاشراق مبدل شده است.

- در پاورقی صفحه ۴۷ توضیح مترجم مبنی بر گزاره بودن تأثیر عقاید نو افلاطونی بر ظهور و بعثت اسلامی، حاوی مفهومی است که مسلماً با هیچ یک از اعتقادات دینی مسلمانان سازگار نیست: «البته در کل سرزمینهایی که بعدها به فتح اسلام درآمد، پیروان چندی از اهل کتاب (یهود و نصاری) نیز وجود داشتند که ... بعضی از معتقدات ایشان - به اذن خداوند تبارک و تعالی - که هنوز رنگ تحریف به خود نگرفته بود، در قرآن تکرار گردید.»

در صفحه ۵۵ می‌خوانیم: «... نصیحت رؤیم به ابن حفیف جوان که گفت ای پسر این کار به بذل روح نهاده اند اگر می‌توانی فیه و نعمه و اگر نه به ترهات صوفیان مشغول مباش ...» که ظاهراً مراد فیها و نعمه بوده است.

در صفحه ۱۷۲، هم در متن و هم در پاورقی، کتاب المنقذ من الضلال غزالی، چنین نوشته شده است: المنقذ من الضلال. همچنین در ص ۱۷۵ دو اشتباه رخ داده، نخست آنکه نام کتاب اتحاف السادة المتقين، چنین ضبط شده: اتحاف السادات المتقين، و دیگر آنکه نویسنده این کتاب را سید مرتضی الذبیبی معرفی کرده که البته الزبیدی صحیح است.

- در پاورقی صفحه ۳۰۰ چنین آمده: «... از علی بن حسین واعظی کاشف رشحات عین الحیاة» که اولاً مقصود کاشفی بوده است و نه کاشف، ثانیاً اینکه نباید کاشف با حروف ایتالیکی چاپ می‌شد.

- حواشی و تعریضات مترجم به برخی روشنفکران مسلمان و به بهانه‌های نامناسب، بسیار بارد و نادرخور است. ر. ک: ص ۳۸، ص ۳۵۰.

- در ص ۴۴۷ می‌خوانیم: «ابن عربی، تجربیات صوفیانه خویش را در چند قصیده بسیار زیبای عربی که به سبک ادبیات کلاسیک عرب نوشته شده، خلاصه کرده است، اما هیچ اثری به نثر از خود بر جای نگذاشت.» پیداست که منظور ابن فارض بوده است نه ابن عربی.

اینها با قطع نظر از اغلاط چاپی همچون لوایح (به جای لوایح) و یا شفیق (به جای شقیق بلخی) و ... بوده است.

محمد رضا موحدی

کتاب است شامل بحثی است در باب تصوف مبتنی بر عرفان یا حکمت الهی، که در آن چکیده‌ای از اندیشه‌های شیخ اشراق، ابن عربی و ابن فارض بازنموده شده و تأثیر و تأثرهای آنان نسبت به تصوف سنجدیه شده است. در فصل هفتم با عنوان گل و بلبل: اشعار عرفانی فارسی و ترکی، گریزی نیز به زندگانی مولانا جلال‌الدین رومی و تصوف عامه پسند ترکیه، دیده می‌شود. خانم شیمل در فصل هشتم، تصوف در هند و پاکستان را برمی‌رسد و در فصل نهم که مؤخره کتاب است، طی دو ضمیمه، نخست نمادگرایی (سمبلیسم) و سپس عنصر زنان (تأیث) در تصوف را می‌پژوهد.

نکته‌ای که تا پایان کتاب، خواننده تیزبین و مشتاق را به خود جلب می‌کند، این است که خانم شیمل در هر مبحث، تقریباً نخبة مطالعات و تحقیقات غربیان را در آن زمینه، فراروی خواننده می‌گذارد.

ترجمه این کتاب نیز که به خواننده فارسی زبان امکان استفاده از این همه تلاش و پژوهش را می‌دهد، در جای خود، سزاوار ستایش است؛ بویژه آنکه مترجم محترم با حجم عظیمی (نزدیک به دو هزار مورد) از ارجاعات آلمانی، فرانسوی، انگلیسی، عربی و فارسی روبرو بوده است و برگردان همین ارجاعات به تنهایی کاری است کارستان.

در پایان با پاسداشت رنجی که مترجم بر خویش هموار داشته است، مواردی چند از خطاهای مطبعی و احیاناً سهو القلمهای ترجمه‌ای را برای اصلاح چاپهای بعدی، تقدیم می‌دارم.

- عناوین کتابها و نام اشخاص به صورت یکدست ترجمه نشده؛ برای نمونه نام کتاب هلموت ریتز، گاه دریای روح و گاه اقیانوس روح [و نه دریای جان] ترجمه شده است. نام پول نویا، گاه پیرنویا، گاه پر نویا و گاه پال نویا ضبط شده است. همچنین نام فروریوس به شکل پورفیریوس درآمده و ابونعیم اصفهانی در بسیاری موارد ابونعمان اصفهانی گشته است. فتوحات المکیه، گاه به شکل فتوح المکیه یا الفتوح المکیه درآمده است.

- نام کتاب رساله قشیریه معمولاً رسائل القشیریه ترجمه شده؛ اللمع فی التصوف ابونصر سراج، در بیشتر موارد، اللمعة فی التصوف ضبط شده؛ التصفیة فی احوال المتصوفه به اشتباه فی احوال الصوفیه ضبط شده و قصیده برده بوضیری به شکل برد شیخ البوضیری نوشته شده است.

- نام ابن حفیف شیرازی تقریباً در همه موارد (نزدیک به سی مورد) ابن حفیف، نوشته شده است. نام اسماعیل انقروی به

آقابزرگ تهرانی برمی خواند و مطالب نوشتارش را با آنان حک و اصلاح می کرد و گاه دیدگاهش را تغییر می داد و گاه بر آن پای می فشرد (الذریعه ۲۱/۱۱۵-۱۱۶). از این رو این کتاب آکنده از تحقیقات فقهی، اصولی، تفسیری، حدیثی و ادبی و لغوی و دارای سبکی زیبا و قلمی شیواست با دقتی عمیق و تطبیق فروع بر اصول و دسته بندی جالب.

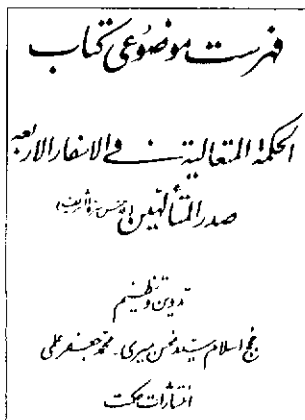
پیشتر شرح ابواب طهارت، صلوات، زکات، خمس، صوم، رهن و اجاره کتاب شرایع به چاپ سنگی رسیده بود که به هیچوجه شایسته چنین کتاب نفیسی نبوده و در دسترس هم نبود. اکنون مدتی است که گروهی تحت اشراف جناب حجة الاسلام سید نورالدین جعفریان دست به کار تحقیق این کتاب زده اند و تاکنون دو جلد از آن را (کتاب الزکاة و کتاب الخمس و الصوم) به بازار عرضه کرده اند، که جلد ۱۳ و ۱۴ این مجموعه را تشکیل می دهد. قرار است که کتاب الطهارة و کتاب الصلاة در دوازده جلد نیز به چاپ برسد.

محققین کتاب را با نسخه خطی، چاپ سنگی و مصادر اصلی مطابقت کرده و در ارجاع مطالب به مصادر اصلی کوشیده اند. قائلین اقوال را مشخص نموده اند (۹۵، ۱۰۷، ۱۳۲، ۱۴۴، ۱۶۲)، احادیث را در جای جای کتب اربعه حدیثی شیعه و وسائل نمایانده اند و کتاب را با چاپی زیبا و چشمنواز و صحافی دلپذیر به چاپ رسانیده اند. البته کتاب با نیت خیر جناب حاج محمدتقی علاقبندیان - زیده عزه - به طبع رسیده و به رایگان به اهل علم و فضل پیشکش شده و این خود باعث دست نیافتن عده زیادی به این کتاب شده است. امید است چاپ مجلدات طهارت و صلاة هرچه زودتر به پایان رسیده و با بهایی ارزان در دسترس ارباب دانش قرار گیرد.

ناصرالدین انصاری قمی

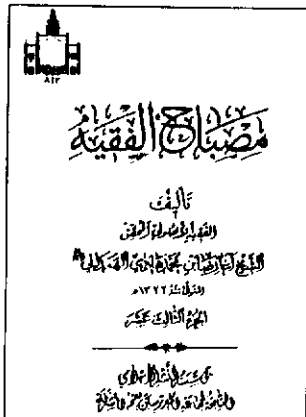
فهرست موضوعی کتاب الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه، سید

محسن میری و محمد جعفر علمی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۴ ش، ۷۹۴ ص، وزیری.



چندی است که توجه روشمندان و تحقیقی به آثار و تألیفات اندیشمندان و محققان پیشین، اهل فضل و تحقیق رابه خود مشغول کرده است

مصباح الفقه فی شرح شرایع الاسلام. آیت الله العظمی حاج آقا رضا همدانی. چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۱۶ ق. ۶۲۵ ص، وزیری.



فقه امامی از بدو پیدایش تاکنون رو به تکامل بوده است. پس از انقطاع عصر تشریح و آغاز غیبت کبرای امام عصر - عجل الله فرجه - فقیهان ما به فتوای به نصوص

و روایات بسنده می کردند و از اظهار دیدگاه خویش خودداری می ورزیدند. هدایه ابن بابویه و مقنع شیخ صدوق و نهاییه شیخ طوسی از این قبیلند. سپس در زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا زمان محقق و علامه، این علم رو به گسترش نهاد و با فکر و نظر توامان گشت و فقهی ژرف و دقیق و پاسخگوی مشکلات بشر پدید آمد و بر دامنه وسعت آن تا این زمان افزوده گشته است. در میان کتابهای فقهی شیعه امامیه، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، نوشته محقق حلّی ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی بن حسن بن سعید هذلی حلّی (۶۰۲-۶۷۶ ق) از معروفترین و برترین کتابهاست و این به سبب ویژگیهایی است که این کتاب داراست؛ همچون: تبویب بی همتانند کتاب، ترتیب احکام، کثرت فروع و نثر زیبا و دلپذیر و جامع بودن ابواب فقه. اینها همه انگیزه آن شد که این کتاب رایجترین و استوارترین متن فقهی امامیه قرار گیرد و به یمن شرح و تفسیر آن از زمانهای دور تاکنون، مجموعه ای گرانبها از تراث فقهی شیعه در دسترس ما قرار گرفته است. (نگاه کنید به: کتابشناسی شروح شرایع الاسلام، ناصرالدین انصاری، مجله مشکاة، ش ۴۳، ص ۱۹۷-۲۲۹ و الذریعه ۱۳/۳۱۶-۳۳۲).

کتاب مورد بحث یکی از ژرفترین و برترین و پر مطلبترین و زیباترین شرحهای شرایع است که توسط فقیه نامی و محقق سامی آیت الله العظمی حاج آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ ق) - از بزرگترین شاگردان شیخ انصاری - نگاشته شده است. به گفته علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی: مؤلف هر شب یک صفحه از آن را می نوشت و هنگام صبح بر شاگردان فرهیخته خویش، همانند سید محسن امین عاملی، سید جمال الدین گلپایگانی، شیخ احمد کاشف الغطاء و برادرش شیخ محمدحسین، شیخ ابوالقاسم قمی، شیخ علی جواهری، شیخ علی قمی، شیخ عبدالحسین کاظمی، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، شیخ محمدتقی مقدس تهرانی و شیخ

و با چندین قرن تأخیر، غبار فراموشی از مکتوبات متولد شده در تمدن اسلامی زده می‌شود. با چاپ انتقادی و فهرست‌نگاری بر آن میراث عظیم، نهضت فرهنگی نوینی در شرف تکوین است.

در این میان عنایت به گنجینه آثار فیلسوفان و حکیمان این مرز و بوم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و تأمل و دقت خاص تخصصی را در این رشته می‌طلبد. آثاری چون کتاب الشفاء شیخ الرئیس که با نظارت عبدالرحمن بدوی به چاپ مصحح رسید و مجموعه مصنفات شیخ اشراق که با همت و علاقه وافر مستشرق شهیر هانری کربن و سید حسین نصر احیا گردید، گام‌هایی ابتدایی بود که در راه بازنگری تحقیقی متون فلسفی برداشته شد و ادامه این راه را بر محققان و مصححان دیگر هموار کرد.

از آنجا که حکمت متعالیه در میان نحله‌های فلسفی جهان اسلام از تأثیر بسزایی برخوردار است، بالتبع کاوش در احیای ادبی متون مربوط به آن، تتبع و تحقیق عالمانه‌ای را می‌طلبد که حداقل آن آشنایی با مبانی فکری و اصول فلسفی صدرالمتألهین است. پیش از این آثار و تألیفات ملاصدرا نظیر المبدء والمعاد، الشواهد الربوبیه، رساله المشاعر و چند رساله دیگر به کوشش حکیم معاصر استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به شکل جدید منتشر شده بود (ر. ک: آینه پژوهش، سال ششم، شماره ۳۴) و محققان دیگری نیز رسالاتی از ملاصدرا را به جامعه علمی کشورمان تقدیم داشته‌اند. از طرف دیگر مهمترین کتاب حکیم شیرازی و ام‌الکتب وی یعنی «الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه» با نظارت مرحوم علامه طباطبایی در حدود سی سال پیش و با حواشی چندین نفر از حکمای متأخر به چاپ رسید که امروزه مورد استفاده فلسفه‌آموختگان و اساتید فن است. کتابشناسی مجموعه کارهایی که در رابطه با این کتاب ارزشمند انجام گرفته از این قرارند:

۱. دفعات چاپ متن اسفار:

- ۱-۱. چاپ سنگی، تهران، ۱۲۸۲ق، با حواشی سبزواری، چهار جلد رحلی.
- ۱-۲. چاپخانه حیدری، قم، ۱۳۸۳ق، با حواشی سبزواری-نوری-اسماعیلی-مدرس-هیدجی و طباطبایی، نه جلد مصحح.

- ۱-۳. دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱م، افسست.
- ۱-۴. مؤسسه الطباعة والنشر وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، تهران، ۱۴۱۴ق، تصحیح و تعلیق حسن حسن زاده آملی (مفاتیح الأسرار لسلاک الأسفار). تاکنون تنها یک جلد از

این مجموعه به چاپ رسیده است.

۲. شروح و ترجمه‌های اسفار:

- ۲-۱. فلسفه عالی (رساله وجود-توحید)، جواد مصلح، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ش.

۲-۱-۱. تأملی در فلسفه عالی، یونس ادیانی، کیهان اندیشه، ش ۵۳، قم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳ش.

۲-۲. اسفار، جواد مصلح، معارف اسلامی، ش ۲۴/۲۳، ۵۴-۱۳۵۵ش.

۲-۳. روانشناسی فلسفی (علم النفس اسفار)، جواد مصلح، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش.

۲-۴. جایگاه حکمت الهی (ترجمه مقدمه جلد ششم اسفار)، محسن غرویانی، کیهان اندیشه، ش ۴۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۱ش.

۲-۵. در معرفت عشق (فصولی از موقف هشتم الهیات اسفار)، محمدرضا جوزی، هفته‌نامه سروش، ۱۳۷۰ش؛ چاپ دوم: فصلنامه فارابی، دوره ۶، ش ۳ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۳ش.

۲-۶. نگاهی به قدیمترین نسخه کامل کتاب «اسفار»، احمد تویسرکانی، خردنامه صدرا، ش ۲، تهران، شهریور ۱۳۷۴ش.

۲-۷. درآمدی به کتاب اسفار، مهدی حائری یزدی، ایران‌نامه، ش ۸ و ۹، ۱۳۶۸ش [فهرست مقالات فارسی، ایرج افشار، جلد ۵، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش].

۲-۸. سبیل الرشاد (حاشیه مباحث معاد اسفار)، آقا علی مدرس، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۰ق.

۲-۹. تعلیقات بر اسفار، محمدخلیل رجائی، مجله دانشکده ادبیات شیراز، ش ۷، بهمن ۱۳۴۱ش.

۲-۱۰. حرکت و زمان در فلسفه اسلامی (درسهای قوه و فعل اسفار)، مرتضی مطهری، ۲ جلد، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۶۶-۱۳۷۱ش.

۲-۱۰-۱. معرفی حرکت و زمان در فلسفه اسلامی، محسن کدیور، آینه پژوهش، س ۳، ش ۴، قم، آذر و دی ۱۳۷۱ش.

۲-۱۱. شرح حکمت متعالیه اسفار اربعه (مبحث الهیات)، عبدالله جوادی آملی، چهار بخش، انتشارات الزهراء، تهران، ۱۳۶۸-۱۳۷۲ش.

۲-۱۱-۱. درنگی در شرح حکمت متعالیه، محسن غرویانی، آینه پژوهش، س ۱، ش ۳، قم، مهر و آبان ۱۳۶۹ش.

۲-۱۲. الاسفار الاربعه، دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۴۰، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، تهران، ۱۳۷۲ش.

حکمای مسلمان و فرقه‌های مختلف متکلمین است که برای انجام تحقیقات تطبیقی بین حکمت متعالیه و مکاتب دیگر فلسفی به کار محققان می‌آید. در این بخش تمامی آثار و تألیفات مندرج در اسفار اربعه به صورت الفبایی با ذکر جلد، صفحه و سطر مشخص شده و در مواردی نام مؤلف اثر هم آورده شده‌اند. در مواردی مؤلفان آثار و تألیفات مبهم را ذکر کرده‌اند که جاداشت به شکل ارجاعی و محققانه عنوان اثر یا صاحب اثر یادآوری می‌شد، مثلاً ذکر «بعض التعالیق»، «بعض رسائل الشیخ مکتوبه» و موارد مشابه بهتر بود که نظیر مؤلفان خواشی تجرید که در صفحات مختلف تعیین شده‌اند، درج می‌گردیدند.

فهرست اشخاص و گروه‌ها شامل اسامی افراد و فرقه‌های فلسفی، عرفانی و کلامی است که صدرالمتالهین به نقل و شرح یا احیاناً جرح و تعدیل آرای آنان پرداخته است. حدود ۴۸۴ اسم که در اسفار اربعه از آنان نقل سخن شده در این بخش استقصاء شده است. از مواردی که در بخش حاضر جلب توجه می‌کند، تغییر قلم چاپی متن است که از اول حروف «ک-ل» در صفحه ۱۸۸ و شماره ۳۷۷-الکتابی به چشم می‌خورد که برآزنده کتابی چون موضوع نگاری نیست.

فهرست آیات قرآن که در سراسر اسفار اربعه مورد استناد ملاصدرا قرار گرفته با ارجاع به سوره‌ها و شماره آیات، سومین فهرست مجموعه حاضر را به خود اختصاص داده است. اساس کار مؤلفان در این بخش برخلاف دیگر فهرست‌ها، الفبایی نبوده و معیار ترتیب قرآنی سوره‌ها بوده که از سوره الفاتحه شروع و به سوره الفلق ختم می‌شود.

فهرست احادیث و روایات که ۱۸ صفحه از فهرست موضوعی حاضر را تشکیل می‌دهند، با عدول از شیوه‌های مختلف فهرست نگاری و بدون نظم و ترتیب منطقی و به شکل غیر متعارف آورده شده‌اند. بهتر بود که مؤلفان محترم در این زمینه همانند فهرست آیات قرآنی عمل می‌کردند و منابع روایات را از متون روایی ذکر می‌کردند. و احادیثی را که غیر موثق و ساختگی بودند مشخص می‌ساختند.

فهرست اصطلاحات که بیشترین حجم (۴۹۰ صفحه)، را به خود اختصاص داده است به خوانندگان کتاب و مراجعان فهرست توجه داشته تا مؤلف اسفار، چرا که در ذیل اصطلاحات فلسفی-عرفانی، اشاره‌ای به نظریات ملاصدرا یا نکات کلیدی که از اهمیت ویژه‌ای در حکمت متعالیه برخوردارند، نشده است. شایسته بود که تهیه‌کنندگان «فهرست موضوعی اسفار» در جهت پربار کردن کار خویش،

۲-۱۳. فهرست ابواب و فصول کتاب «اسفار»، محمد ابراهیم آیتی، انتشارات دانشکده معقول و منقول، تهران، ۱۳۴۰ ش.

۲-۱۴. نگاهی گذرا به اسفار، یادواره ملاصدرا، ج ۲، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۰ ش.

۲-۱۵. نرم افزار کتاب «اسفار»، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، هشت دیسکت، قم، ۱۳۷۴ ش.

اسفار اربعه مهمترین و جامعترین کتاب صدرالمتالهین است که اصول و امهات افکار و عقاید فلسفی وی در آن جمع شده و در بین شارحان حکمت متعالیه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. این کتاب از زمان آخوند ملاعلی نوری کتاب درسی فلسفه شناخته شده و امروزه به عنوان درس خارج فلسفه ملاصدرا مورد توجه مدرسان حکمت اسلامی است و نزدیک به ۳۰ تن بر آن حاشیه نوشته‌اند. از مرحوم سید ابوالحسن رفیعی قزوینی نقل شده که: «کتاب مذکور را مقام اجمال است که به این لحاظ مسمی به حکمت متعالیه است، و مقام تفصیل است که به این نظر مسمی به اسفار اربعه است.» (عرفان و حکمت متعالیه، حسن حسن زاده آملی، ص ۶۸)

از جمله کارهای ارزشمندی که بتازگی در راستای مجموعه عظیم فلسفی صدرالمتالهین (اسفار اربعه) انجام گرفته، تهیه و تنظیم فهرست موضوعی است که با پیروی از شیوه فهرست نگاری همگانی-الفبایی آیات قرآنی-احادیث-سخنان و کتابهای اشخاص و گروههای فکری را به همراه اصطلاحات فلسفی-عرفانی مورد استفاده ملاصدرا در تدوین اسفار اربعه، به نظم و ترتیب کشیده است.

مؤلفان این مجموعه در هر کدام از فهرست‌ها با استفاده از طریقه بازپرد یا ارجاع تکمیلی و توافقی، محققان و دستداران فلسفه صدرایی را در بازبایی نکات مورد نظر به مدخلهای فرعی هدایت کرده و استفاده از این گنجینه نه جلدی را سهل الوصول نموده‌اند. به گفته مؤلفان موضوعی کردن مطالب و مباحث اسفار موجب می‌شود که محقق بتواند به آسانی این مطالب را در موضوع خاص یک جا ببیند و از آن بهره گیرد و یا احیاناً درباره آن قضاوت کند. از طرف دیگر پراکندگی یک مطلب خاص در چندین محل (دلیل اول)، تشدد در نتیجه‌گیری از یک مطلب (دلیل دوم) و عدم رعایت ترتیب منطقی ذکر مطلبی (دلیل سوم) باعث شده‌اند که فهرست موضوعی اسفار اربعه به تحقق برسد (کتاب حاضر، ص ۸). فهرست کتب نشانگر منابع تحقیقاتی ملاصدرا از آثار و تألیفات فلاسفه یونان و

این دو تیره، بسیار طبیعی می‌نماید، خود داستانی خواندنی دارد. پژوهشگران فارسی‌زبان به یقین پس از دو قرن سکوت، و آگاهی از تأثیر مزدیسنا در ادب فارسی بحق پی برده‌اند که خدمات متقابل ایران و اسلام فراموش نشدنی است. ایرانیان برترین هدیه الهی - یعنی دین انسانساز اسلام - را از طریق تازیان، دریافت داشتند و از آن پس کسائی چون ابن مقفع پارسی، ابونواس اهوازی، بشار طخارستانی، مهیار دیلمی، عبدالحمید، ابن العمید، صاحب بن عباد و قابوس، در انتقال فرهنگ کرماند و پرچار قوم ایرانی به زندگی اجتماعی و ادبی اعراب، تلاش کردند. «ابونواس اهوازی و بشار طخارستانی در شعر عرب، سبکی نو آوردند و آن سنت قدیم را در آغاز قصاید - که باید شاعران، خود و یاران‌شان به خرابه‌های منزل معشوق بایستند و اشک بریزند و ویرانه‌ها را ندا دهند - عیب گرفتند و خود نیز آن را فرو گذاشتند. عبدالحمید شیوه‌ای نو در کتابت آورد که برخی آن را شیوه ایرانی می‌خوانند؛ یعنی در برابر آن نثر موجز که از عصر جاهلی به ارث رسیده بود، راه تفصیل را پیش پای نویسندگان نهاد. از این رو او را آغازگر نثر عربی می‌دانند.» (حنّا الفاخوری، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالحمید آیتی، ص ۱۳).

از سوی دیگر زبان فارسی دری پس از پیوند با اصطلاحات و ترکیبات عربی، غنایی دیگر یافت و از آن حالت غیرانعطافی و بسته‌خویش به درآمد. حاصل این تزویج را براحتی می‌توان در خوش‌نشینی واژگان شعری و نیز سجعها و قافیه‌های آثار ادبی فارسی، دید.

این همه مسلم است و جای تردید ندارد؛ اما سخن گفتن پیرامون این گونه تأثیر و تأثرها در دوران پیش از اسلام، بویژه تأثیر فرهنگ و ادب فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، نیاز به پژوهش و کاوش بسیار دارد. در این زمینه گرچه تاکنون اثری علمی و سترگ تألیف نشده است، اما باید گفت که توجه مستشرقان بیش از دیگران به این نکته معطوف بوده است. شاید کتاب «واژه‌های دخیل در قرآن مجید» اثر آرتور جفری، مهمترین کتابی باشد که تاکنون در این زمینه نوشته شده است. ولی «درباره حدیث که می‌تواند شامل بسیاری از کلمات معروف در جاهلیت عرب باشد، هنوز کار اساسی صورت نگرفته است.» (کتاب حاضر، ص ۱۲۲)، اما در اشعار جاهلی، تعداد کلمات فارسی، بسیار است؛ با این نقیصه که این اشعار اسناد صد در صد معتبری ندارند و احتمال می‌رود گروهی از کلمات فارسی رایج نزد جاهلیت از این اشعار حذف

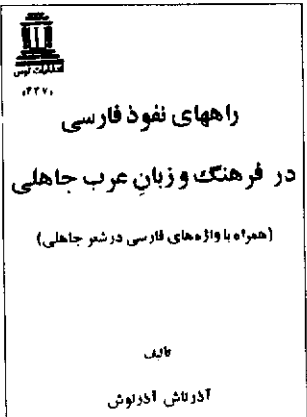
فهرست جداگانه‌ای هم برای اصطلاحات کلیدی و ابتکاری صدرالمتهلین که در پی ریزی حکمت متعالیه دخیلند، اختصاص می‌دادند. نکته دیگری که باید یادآور شد ذکر اسامی مبهم و مشترک در فهرست‌هاست؛ مثلاً در ارجاع به گفتار شیخ در مدخل اصطلاحی «اللون» (ص ۵۸۶) معلوم نیست مراد از شیخ کیست، چون در میان اهل فلسفه لفظ شیخ هم به ابن سینا اطلاق می‌شود و هم به شیخ اشراق. نظیر این ابهام در صفحات دیگری هم تکرار شده است: ص ۴۸۱، ۵۲۵، ۶۰۹، ۶۶۰ و ۷۲۰... یا در بعضی از مدخلها که ملاحظه در کلام عده‌ای را نقل کرده، مشخص نشده است که مراد از آن عده متکلمان هستند یا فلاسفه (ص ۴۸۰).

نکته آخر اینکه در هیچ جای فهرست موضوعی حاضر چاپ مورد ارجاع اسفار اربعه آورده نشده و مؤلفان شاید به گمان اینکه اکثر استفاده‌کنندگان از آن، چاپ نه جلدی را در اختیار دارند از ذکر کتابشناختی آن دریغ نموده‌اند. با آرزوی موفقیت مؤلفان و رفع نواقص فهرست حاضر در چاپهای بعدی.

علی اصغر حقदार

راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی (همراه با واژه‌های

فارسی در شعر جاهلی)، آذرنوش
آذرنوش، چاپ دوم (بنا تجدید
نظر)، تهران: ۱۳۷۴،
۲۷۹ ص، وزیری.



امروزه بحث از تأثیر و تأثر فرهنگها از یکدیگر، تقریباً بدیهی شمرده می‌شود. همچنین خویشاوندی بسیاری از زبانها و آمیزش برخی از زبانهای هم خانواده (همچون آمیزش زبانهای سریانی و عبری با زبانهای عربی) و حتی هنایش برخی زبانها بر زبانهای بیگانه (همچون تأثیر زبانهای هند و اروپایی بر زبانهای سامی و یا تأثیر زبان سنسکریت بر زبانهای ایرانی) از مطالبی است که زبان‌شناسان آن را پذیرفته‌اند و برای هر مورد، شواهدی نیز اقامه کرده‌اند.

در این میان تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی بر زندگی تازیان و نیز پیوند زبان فارسی (از خانواده زبانهای هند و اروپایی) با زبان عربی (از خانواده زبانهای سامی) که به لحاظ همجواری

می شناختند (نک: کتاب حاضر، ص ۱۶۰). کلمه قهرمان در حدیث آمده؛ مردم مکه فالوذج و در مدینه خریز می خوردند؛ در خانه هایشان روشسن (بنجره، و جمع آن رواشن) می نهادند، یا تردید نیست که با نام جشنهای بزرگ ایرانیان چون نیروز (=نوروز) و مهرجان (=مهرگان) آشنا بوده اند، اما این کلمات در آن مقدار از شعر جاهلی که به دست ما رسیده، مذکور نیست. (ص ۱۲۲).

در خاتمه تذکر چند نکته را خالی از فایده نمی دانم. نخست آنکه نام کتاب (راههای نفوذ فارسی) کاملاً رسا نیست و خواننده در نمی یابد که مراد از فارسی، تنها زبان فارسی است یا شامل فرهنگ فارسی نیز می شود.

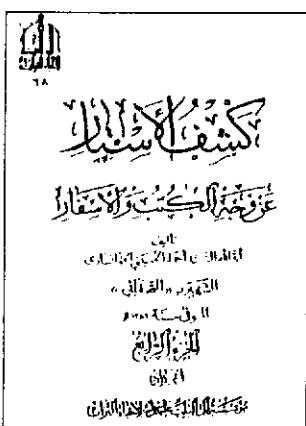
- دیگر آنکه گویا در بحث از مجموعه مصادر جاهلیت عرب (ص ۱۸)، ذکر مأخذ فراموش شده است.

- و نکته آخر آنکه در فصل بندیها، مناسبت آن می بود که فصل چهارم (که تنها دو صفحه است و با عنوان: نگاهی به جغرافیای عربستان) در فصل پنجم و یا فصلهای قبل درج می گردید و در مقابل بخش مربوط به واژه های فارسی در شعر جاهلی عرب (که مؤلف خود در صفحه نخست پیشگفتار چاپ دوم از آن با عنوان فصل یاد کرده) فصلی مستقل را به خود اختصاص می داد و در لابلای مطالب فصل هفتم گم نمی شد.

باری جوینده مباحث ادبی با مطالعه این تحقیق آکادمیک، بی شک بر اطلاعات خود خواهد افزود.

محمدرضا موحدی

نظری به کتاب کشف الاستار. آیت الله سید احمد صفایی خوانساری،



کشف الاستار من وجه الکتب
والاسفار ج ۴، اهداد: مؤسسة
آل البيت (ع) لاحیاء التراث،
چاپ اول: قم، ۱۳۷۲ ش،
ص ۵۰۶، وزیری.

«کشف الاستار» از برترین و
مشهورترین فهارس و
کتابشناسیهای شیعه امامیه در
قرن چهاردهم هجری است

که برحسب حروف الفبا مرتب شده و از حرف الف آغاز و تا حرف میم ادامه یافته است (پس از آن عمر مؤلف بزرگوار وفا ننمود و در شب ۱۴ ذیقعدة الحرام ۱۳۵۹ ق بدرود حیات گفت). این کتاب تا چندی پیش در زاویه کتابخانه فرزند

شده باشد و یا برخی کلمات معروف در عصر اسلام را به آنها اضافه کرده باشند.

آقای دکتر آذرنوش که از صاحب نظران و پیشکسوتان در عرصه ادب تازی است، نزدیک به بیست سال پیش کتابی را در این زمینه پرداختند، با این امید که بتواند قدری از این خلأ تحقیقاتی را پر کنند و راهی نو فراروی دانشجویان این عرصه و بویژه تاریخ ادبیات و ادب تطبیقی بگشایند. ایشان کتاب خود را در دو مرحله تنظیم کردند: «مرحله نخست عبارت بود از تحقیق در دولتهای ریز و درشت عربستان عصر جاهلی، جستجوی روابط گوناگون سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و احیاناً هنری آنها با ایران و خلاصه یافتن آثاری که در اثر این روابط در جزیره العرب پدیدار گشته است ... مرحله دوم پژوهش در دو زمینه بود: ۱- کلمات فارسی در شعر جاهلی ۲- آثار و نشانه های ایرانی در آنها.»

در کتاب حاضر که در واقع ویرایش دوم از همان کتاب است، اصلاحات و افزودنیهایی صورت گرفته است. بخش افزوده کتاب «همانا معربات شعر جاهلی است. این فصل شامل مجموعه کلماتی است که تازیان عصر جاهلی، طی چندین قرن، از زبانهای کهن ایرانی وام گرفته، در اشعار خود به کار بردند. پیداست که انتقال یک واژه و طیف معنایی از فارسی به عربی، برای کتابی که در جستجوی راههای نفوذ فارسی در عربی است، موضوعی سخت پُربها جلوه می کند.» پژوهش در باب این گونه واژگان و نیز شیوه های نفوذ فرهنگ، جدای از فواید زبانشناسی (و ایجاد زمینه مناسب برای ورود به مبحث تاریخ زبان)، دستمایه ای وزین برای فقها، مفسران و محدثان فراهم خواهد آورد تا با تفکیک عرف خاص و عرف عام و نیز تشخیص عرف زمان صدور وحی، برخی از این واژگان به کار گرفته شده در زبان وحی و احادیث را با درایت تمام دریابند؛ بویژه آنکه با تحقیقات انجام شده (در همین کتاب)، معلوم گشته که حجم واژگان دخیل در ادب و شعر جاهلی، بسی کمتر از واژگان در قرآن و حدیث و اخبار جاهلی و آثار صدر اسلام است. «ای بسا کلمه که با معانی شاعرانه رابطه نداشته و مورد توجه شاعران قرار نگرفته است، ولی آن را در اخبار و احادیث مربوط به اشعار می توان یافت؛ مثلاً تردیدی نیست که کلمه دیسوان (پهلوی: dipiván) در میان عربها بسیار مشهود بوده و ایشان می گفته اند: الشعرُ دیوان العرب، یا کلمه های نرد، نردشیر، دست (دست بازی، دست لباس ...) را خوب

کتابهای همانند خود ممتاز ساخته و مجموعه ای گرانبها را فراهم آورده است.

در این کتاب بسیاری از کسانی را که در کتابهای رجالی تضعیف شده‌اند، با استفاده از امارات گوناگون توثیق نموده است.

اینک به ذکر برخی از این نمونه‌ها می‌پردازیم:

مطالب رجالی:

احمد بن محمد بن عیسی ۸۰/۱-۸۲

اسباط بن سالم ۱۰۵-۱۰۶

حفص بن غیاث ۴۳۸-۴۴۵

خلیل بن اوفی ۴۸۳-۴۸۶

فیثاغورس ۴۹۰/۱

زید نرسی ۵۰-۵۸

داود بن زریبی ۴۹۷-۴۹۹

سالم بن مکرّم ۷۳-۸۲

سعد بن عبدالله ۸۷-۹۳

سلیم بن قیس ۱۲۳-۱۳۲

سهل بن زیاد آدمی ۱۵۶-۱۸۵

ابا الطفیل عامر بن وائله ۲۵۹-۲۶۴

عباد بن صهیب ۲۷۱-۲۷۶

عمار بن موسی ساباطی ۵۲-۶۷

عمرو بن ابی المقدام ۶۷-۷۲

عمرو بن شمر ۸۲-۸۵

عیسی شلقان ۹۹-۱۰۲

غیاث بن ابراهیم ۱۱۶-۱۲۴

فتح بن یزید جرجانی ۱۲۶-۱۳۲

کلیب بن معاویه ۱۷۹-۱۸۳

محمد بن سنان ۳۱۳-۳۱۹

مفضل بن عمر جعفی ۴۶-۵۲

منصور بن یونس ۶۲-۶۶

ابن سکیت ۱۵۵-۱۶۱

زیاد بن قروان قندی ۳۸-۴۰

زیاد بن منذر جارودی ۴۰-۴۶

مسائل کلامی:

پیرامون رؤیت ۸۵-۸۳/۴ و ۸۵-۸۶/۱

استطاعت ۳۳۹-۳۴۱

ایمان ابوطالب ۷۶-۷۹

جبر و تفویض ۲۵-۲۶

فرق شیعه ۱۴۷-۱۴۸

مؤلف، مرحوم آیت‌الله حاج سید مصطفی صفایی باقی ماند، و به چاپ نرسیده بود. تا اینکه با توفیق الهی و تحقیق مؤسسه آل‌البیت (ع) کار چاپ و نشر آن آغاز شد و تاکنون چهار جلد از آن - که دربرگیرنده معرفی بیش از سه هزار کتاب است - به چاپ رسیده است و بناست که در ده جلد پایان یابد.

مؤلف بزرگوار زمانی دست به کار تدوین این کتاب شد که راههای ارتباط با علما و دانشمندان بر او بسته و بسیاری از ابزار و وسایل تحقیق از دسترس وی خارج بود.

وی در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «... فکر من در این موضوع - گردآوری نام کتابهای شیعه - به درازا کشید، یک پایم را پیش می‌گذاشتم و پای دیگرم را به عقب می‌نهادم، زیرا دانش من اندک و اسباب و کتابهای مربوط به این فن مفقود بود و یار و یاورى نداشتم و خانه و شهرم از علما و دانشمندان متخصص این امر دور است...» (مقدمه کشف الاستار، ص ۴).

و باز می‌نویسد: «... کس مرا به کوتاهی و سهل‌انگاری و کمی تتبع نسبت ندهد، همانا من با کمبود کتاب و اسباب و نبود یار و یاور و واقع شدنم در شهری دور از همه چیز و با تفرق بال و اختلال احوال و غم و اندوه بسیار و تغییر زمان، و رواج بدعتها و گناهان و خراب شدن پایه‌های دین، تمام کوششم را و نهایت طاقتم را در راه به پایان رسانیدن این هدف به کار گرفته‌ام...».

مؤلف دانشمند تألیف کتاب خویش را در سال ۱۳۲۰ ق آغاز کرد و - ظاهراً - نگارش آن بیش از سی سال به درازا کشید، زیرا در پایان حرف الف می‌نویسد: به پایان رسید نوشتن این مقدار در ۱۲ شعبان المعظم سال ۱۳۵۳ ق... و مسلم است که نوشتن کتابی چنین - با این همه تحقیقات و فحوص و جستجو - مستلزم صرف سالیان دراز است.

مؤلف دانشمند، انگیزه‌اش برای نگارش این کتاب را چنین می‌نویسد: «... داعی من بر این کار شریف - ترتیب نام کتابها از هر تصنیف - اخبار و احادیث ائمه اطهار - علیهم السلام - مبنی بر حفظ کتابهای اصحاب، و وزیدن غبار فراموشی بر صورت اصول و کتابهای علما در این زمان است. من این کار را بر عهده گرفتم تا شاید توفیق رفیق اشخاصی شود و آنها را از گوشه و کنار شهرها و از دست افراد گوناگون، در محلی واحد گردآورند که این احیاء آثار اهل بیت و دارای فواید بیشمار است...».

مؤلف در این کتاب روشی را دنبال کرده که آن را از

- جلو و نفی آن ۱۷۲-۱۷۳/۲
صلاح العبد ۳۸۸-۳۹۳/۳
فطحیه ۵۷-۶۷/۳
تراجم دانشمندان:
- شیخ احمد احسانی ۹۸-۹۹/۱
سید کاظم رشتی ۱۰۰/۱
تقی الدین کفعمی ۴۱-۴۴/۱
قاضی جعفر کمره‌ای ۲۴۹-۲۵۳/۱
حافظ رجب برسی ۱۹-۲۰/۲
شهید ثانی ۶۱-۷۰/۲
ملاصدرا ۲۲۶-۲۳۱/۲
شیخ محمد طه نجف ۲۴۳-۲۴۷/۲
سید علیخان مدنی ۲/۳۳۵
فضل بن شاذان ۱۴۲-۱۴۶/۳
ابن جنید اسکافی ۲۱۵-۲۲۶/۳
شیخ بهایی ۲۷۷-۲۸۷/۳
ملا میرزا شیروانی ۲۹۶-۲۹۹/۳
شیخ صدوق ۳۳۸-۳۴۸/۳
شیخ مفید ۳۸۳-۴۰۶/۳
سید محمد لوحی ۴۰۶-۴۰۸/۳
خواجه نصیر ۴۱۴-۴۲۴/۳
شهید اول ۴۲۳-۴۴۵/۳
سید محسن امین ۴۵۲-۴۶۱/۳
قاضی نورالله ۱۰۱-۱۰۶/۴
میر محمد هاشم چهارسوقی ۱۱۷-۱۱۹/۴
حاج شیخ علی اکبر نهاوندی ۳/۴۶۴
شیخ محمد جواد بلاغی ۳/۴۶۵
همچنین وی در پایان جلد سوم (ص ۴۶۴-۴۸۲) بسیاری از معاصران خویش را با عبارات شیوا و بیان زیبا مورد ستایش قرار داده است و از تصانیف آنها یاد می‌کند.
- بعثنهای ادبی:**
ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۷
ج ۱، ص ۳۶۱
بعثنهای تاریخی:
ج ۱، ص ۳۶۹-۳۸۶ و ص ۴۰۵-۴۲۲ (اسماء و کنیه‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام)
ج ۱، ص ۱۸۳-۱۸۵ (برخی از نوادر حالات ابوعثمان مازنی)
ج ۲، ص ۲۱ (قسم خوردن زیر بن بکار و مبروص شدن او)
- ج ۳، ص ۳۷۱-۳۷۲ (داستان موسی بن جعفر علیه السلام و مردانصاری)
ج ۳، ص ۴۰۳-۴۰۴ (برخورد ابوبکر با قومی از عرب بنام «ربیعہ»)
ج ۳، ص ۴۴۲-۴۴۴ (برخورد امام صادق علیه السلام با منصور دوانیقی)
ج ۳، ص ۴۶۲-۴۶۳ (حکایت برکه ساختن یزید و کرامتی از ابوحنیفه)
ج ۳، ص ۴۸۷-۴۸۸ (داستان قنات ابی نذر)
ج ۴، ص ۱۰-۱۱ (دو حکایت از قضاوت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام)
ج ۴، ص ۸۱-۸۲ (خواب دیدن مردی ماحوزی ابن میثم بحرانی را)
ج ۳، ص ۴۸۲-۴۸۵ (داستان اسلام آوردن میرزا محمد صادق فخرالاسلام)
ج ۴، ص ۳۸۲-۳۸۳ (گفتگوی بعضی با شهید ثانی).
بعثنهای فقهی:
ج ۳، ص ۱۹۰ (مسأله‌ای درباره میراث نصرانی و وارث مسلمان)
ج ۳، ص ۴۶۶-۴۶۷ (احادیثی در مورد ریش تراشی)
ج ۴، ص ۹-۱۰ (مسأله‌ای پیرامون وصیت میت به مشترک لفظی).
- بعثنهای لغوی:**
هیت ۱/۴۲۳
هیفاء ۱/۴۲۳
شموع ۱/۴۲۳
مبتله ۱/۴۲۳
نجلاء ۱/۴۲۴
قعب ۱/۴۲۴
نزف ۱/۴۲۴
مولی ۱/۲۲-۲۳
زرآد ۲/۵۰
دعاه و رغاء ۲/۲۳۷
جلل ۲/۲۹۶
میثم ۴/۸۶.
اصطلاحات:
اصل: ۲/۵۲-۵۳ و ۴/۲۰۸-۲۰۹
الاشتقاق ۳/۴۸۸-۴۹۱
امالی: ۴/۱۲۱

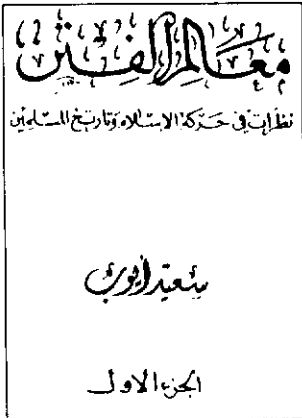


مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کرده و پرداختن و اجتهاد در علم رجال را امری بسیار لازم بر شمرده است (ج ۴، ص ۱۸۱).

ناصرالدین انصاری قمی

معالم الفتن، سعید ایوب (مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ج ۲، ۱۴۱۶ هـ.ق.



معالم الفتن طرحی است نوبا پژوهشی استوار درباره تاریخ اسلام. مؤلف ابتدا بر این نکته تأکید می ورزد که زندگی آکنده از «ابتلاء» است. انسان در مسیر حرکت به سوی مقصد با گردونه های گونه گونی مواجه است و شیطان در این جریان

نقش مهمی بازی می کند. آنگاه مؤلف به برنامه ریزی شیطانی برای درگیری با حق بر اساس آیات الهی اشاره می کند و چگونگی این رویاروییها را می نمایاند. (ص ۲۵-۱۷).

در بخش دیگر مؤلف راهنماییهای قرآن را برای رویارویی با دشمن بیان می کند و نشان می دهد که قرآن از یکسوی «صد عن سبیل اللّٰه» را جریانی تاریخی معرفی می کند و از سوی دیگر چهره ها و گروه های این جریان را چهره نمایی کرده، ابعاد حرکت های فرهنگ ستیزانه آنها را نشان می دهد. او با تعبیرهایی استوار و گویا و برگرفته از فرهنگ قرآن از چگونگی تبیین قرآن از حرکت «مشرکان»، «کاحران»، «منافقان» بحث می کند و شیوه ها و ابزارهایی را که آنان در رویارویی با گسترش دین برگرفته اند، می نمایاند. (ص ۳۹-۸۳).

مؤلف با هوشمندی این سؤال را طرح می کند که آیا در هنگامه ای بدین سان از توطئه ها و فرهنگ ستیزی، پیامبر، امت را به حال خود و انهداد است؟ آیا چنین چیزی از رهبری آگاه و نگران امت شایسته است. او جواب را با تفسیری عمیق و خواندنی از آیه «تطهیر» و آیه «مباهله» به دست می دهد و تأکید می کند که پیامبر اهل بیت را برای هدایت امت بدانها معرفی کرد و جاودانگی این جایگاه را برای آن بزرگواران با حدیث «ثقلین» رقم زد، و در جای جای زندگانش، فضایل و مناقب آنان را بازگفت و خود را هم پیمان و همبر آنان معرفی کرد تا امت بدانند کی، کی، کی، است. (ص ۱۲۶-۸۵).

مؤلف پس از این سؤالی دیگر مطرح می کند؛ سؤالی جدی و حساس. و آن اینکه این معرفی قرآنی و تعیین ربانی از سوی

تفسیر قرآن ۴/۲۵۴-۲۵۹

علم التالیف والایقاع ۱/۴۸۹.

پیرامون قبائل:

قبیله همدان ۱/۲۷-۳۲

آل طاوس ۱/۸۹-۹۰

بنی ضبه ۱/۱۷۹-۱۸۰.

کتابشناسی:

الاحادیث ۱/۴۷۱-۴۷۵

انوار سهیلی ۱/۴۶۷

اثبات الوصیة ۲/۴۳۶-۴۳۹

الاستذکار ۲/۴۴۱-۴۴۲

الامامة والتبصرة ۲/۴۴۶-۴۴۸

الآداب الدینیة ۳/۱۳۷-۱۳۹

تالیفات فیض کاشانی ۳/۲۰۰-۲۰۵

اعراب القرآن ۳/۲۵۲-۲۵۸

الاستبصار ۳/۲۶۷-۲۶۹

الابواب (رجال طوسی) ۳/۲۶۹-۲۷۲

اسرار الحکم ۳/۴۵۴-۴۵۵

انوار الجلیة ۳/۴۵۵-۴۵۶

آثار الشیعة ۳/۴۶۷-۴۶۹

الاشارات والتنبیهاث ۳/۴۹۱-۴۹۵

اکلیل المنهج ۴/۱۷-۱۸

اصلاح المنطق ۴/۱۵۵-۱۵۷

البحر الخضم ۴/۲۶۶-۲۶۹

التحریر ۴/۳۸۵

تفسیر علی بن ابراهیم ۴/۴۰۸-۴۰۹

تهذیب الاحکام ۴/۴۵۶-۴۶۹

انساب:

ج ۲، ص ۲۱-۲۲ (نسب زبیر بن بکار زبیری)

ج ۴، ص ۴۲۹ (نسب سادات امامی اصفهانی).

مؤلف بزرگوار همچنین در پایان حرف الف از کتاب خویش

(جلد چهارم، صفحه ۲۰۰) خاتمه ای را مشتمل بر فواید

پنجگانه ذیل نگاشته است:

۱- بعض المذاهب (وعیدیه، مرجئه، قدریه) ۲- اصحاب

الاصول ۳- مراد از وثاقت در کلام رجالیون ۴- کنیه های ائمه در

اخبار ۵- کتابهای رجالی و تراجم شیعه - که این فصل یکی از

خواندنی ترین و پرمطلب ترین بخشهای کتاب است -

(ص ۲۱۳-۲۴۴، ج ۴).

همچنین ایشان از افراط علما و طلاب در علم اصول گلابی

جبهه نهران پرداخته و با جملاتی بس شورانگیز و عباراتی اشک انگیز مرثیه شهادت علی (ع) را که «قتل عدل» بود و مرگ «داد» سروده است. (ص ۱۵۵-۷).

پس از آن به بیعت مردم با امام حسن (ع) پرداخته و چگونگی آمادگی آن بزرگوار را برای نبرد با معاویه بازگفته و نقش پول و نیرنگ را در جریان «صلح» نشان داده است. چیرگی معاویه بر کارها و چنگ انداختن او بر خلافت و خون آفریدن و مظلومان را در زیر چکمه های ستم درهم شکستن، گزارشهایی است که مؤلف در صفحات دیگر کتاب آورده است. (ص ۱۶۷-۲۲۶).

جریان قیام کربلا با نگاهی تحلیلی و ترسیم پیامدهای آن از منظری جدید از دیگر بحثهای این مجلد است. نویسنده هوشمندانه و دقیق، پلیدیها و پلشتیهای بنی امیه را نمایانده و ستمهای روا شده بر اهل بیت و امت اسلامی را بازگفته و چگونگی چیرگی «بوزینه گان» را بر دین محمد (ص) گزارش کرده و آنگاه در واپسین فصل کتاب و با عنوان «ریاح الفرعونیه» از پیامدهای حکومت بنی امیه سخن گفته است. او بر اساس نصوص منقول از پیامبر نشان می دهد که مروان بنی امیه جلوه های آشکار فرعون و فرعون صفتان بودند و در جامعه جز با تفرعن و فرعونگری حکم نمی رانند.

آقای سعید ایوب با عنوان فرعی کتاب «نظرات فی حركة الإسلام و تاریخ المسلمین»، دقیقاً به محتوای کتاب اشاره کرده است. وی بدین سان کوشیده تا نشان دهد که پیامبر دینی را عرضه کرد و ابعاد آن را نمایاند و همه تدابیر و طرحها را برای آینده ای استوار رقم زد، اما باید دانست که «تاریخ مسلمانان» تاریخی است مانند تاریخ تمام بشر تاریخی با ضعفها، هویها، گرایشها و... او در لابلای صفحات کتاب به نقش جریان «تأویل»، «رای»، «منع تدوین حدیث» بر تاریخ پرداخته و با دقت تمام پیامدهای آن را بازگفته است. در پایان مؤلف به دیدگاههای کسانی چون ابن تیمیه پرداخته و نشان داده است که بی پایه گوییهای او ریشه در کجا دارد و در نهایت با صراحت گفته است که: ابن تیمیه عقل را لجام زده و ژرف اندیشی را به یکسوی نهاده و از این روی برای وی دریچه ای جهت نگاه به حق باز نمانده است». (ج ۲، ص ۴۵۳).

به هر حال نکات خواندنی در این کتاب بسیار است. آنچه آمد نگاهی بود بس گذرا و نه درخور کتاب. خواننده پژوهشگر شاید با برخی از استنتاجهای مؤلف همسویی نکند، ولی بی گمان از خواندن و درنگریستن بدان فراوان بهره خواهد برد.

علیمحمد هلوی

رسول الله و برکشیدن اهل بیت و نهادن آنها در پیشدید مسلمانان، صرفاً برای تبرک بود تا بدانها تبرک جویند و آنان را بزرگ دارند، یا آنان را در جایگاه مرجعیت فکری و زعامت سیاسی قرار داد تا بدانها مراجعه کنند و در زندگی آنان را به ولایت و سرپرستی برگزینند؟ اگر دومی است، پس بناچار باید بگوییم این مرجعیت فکری از آن همه صحابه است و آیا این پذیرفتنی است؟! مؤلف با تتبعی شایسته تضادها و تناقضهای رفتاری و اندیشگی صحابه را می نمایاند و نشان می دهد که معقول نیست پیشوایی آگاه و آینده نگر برای هدایت امتش چنین مرجعیتی را رقم زده باشد. بدین سان وی با تعریف دقیق صحابی و چندوچونی زندگانی صحابیان و زمینه سازی بحث، ولایت و رهبری علی (ع) را مطرح می کند و آن را در پرتو اسناد تاریخی و استدلالهای علمی و واقع نگراانه استوار می دارد. (ص ۱۲۷-۱۸۶).

فصول ارجمند کتاب بسی تحلیل گرایانه و دقیق است. اگر بدین صورت با نگاهی گذرا به فصول کتاب پیش رویم، سخن به درازا می کشد. از این روی دامن سخن برمی چینیم و باختصار فصول دیگر را می آوریم. بر اساس آنچه آمد مؤلف در آستانه رحلت رسول الله (ص) قرار می گیرد و ماجرای سقیفه و موضع جریانهای مختلف را در سقیفه باز می گوید؛ انصار، مهاجران، اهل بیت و صحابه های داخل سقیفه و بیرون آن. (ص ۱۹۵-۳۰۹).

مؤلف پس از این به مناسبت به بحث از «رای» و «مصلحت» می پردازد و نشان می دهد که محدوده گرایش به «رای» در فقدان نص و اجتهاد و استنباط نماند و به رویارویی با نص کشید و عملاً به نقض «نصوص» کتاب و سنت منجر شد. (ص ۳۰۹-۳۲۴).

آنگاه چونان نمونه ای در جهت این رایگرایی، ماجرای «فدک» را مطرح کرده است و چنگ انداختن جریان خلافت بدان برخلاف نصوص صریح موجود درباره آن. (ص ۳۱۴-۳۲۴). مسأله خلافت خلیفه دوم، جریان شورا، حضور بنی امیه در حکومت، خیزش مردم علیه خلیفه سوم، روزگار علی (ع)، اصلاحات آن حضرت در حوزه سیاست و فرهنگ و اقتصاد، فتنه ها و طغیان و بغی در مقابل علی (ع)، از جمله فصول بعدی این جلد از کتاب است که دقیق است و پژوهشگرانه. (ص ۳۵۷-۵۳۴).

در جلد دوم آنچه در صفحات پایانی جلد اول باختصار آمده، بتفصیل گراییده و با عنوان کلی «معارك الامام - نبردهای امام»، به تحلیل و بررسی جریانهای جمل، صفین، جریان تحکیم، نیرنگها و سیاست بازیهای معاویه، جریان مارقین و